

## رویکردهای اجرای حقوق بین الملل محیط زیست در حقوق داخلی کشورها با نگاهی به نظام حقوقی ایران

اعظم پرنده مطلق\*

[Azam.motlagh@yahoo.com](mailto:Azam.motlagh@yahoo.com)

شیرین شیرازیان<sup>۲</sup>

علی زارع<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۸

تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۲۹

### چکیده

اجرای حقوق بین الملل محیط زیست در نظام‌های مختلف حقوقی یکی از موضوعات به روز حقوق بین الملل معاصر به شمار می‌آید. در همین راستا، ماده ۹ قانون مدنی ایران راه حلی را برای اجرای معاهدات بین المللی ارائه داده است، با این همه، ماده مذکور، علاوه بر تفسیربردار بودن آن، نسبت به سایر منابع حقوق بین الملل از قبیل عرف بین المللی و آرا و رویه‌های قضایی ساکت و صامت است. هدف این مقاله، بررسی رویکردهای اجرای حقوق بین الملل محیط زیست در حقوق داخلی کشورها با نگاهی به نظام حقوقی ایران می‌باشد. این مطالعه با تکیه بر رهیافت تحلیلی و با اتخاذ روش استقرایی، راهکارهای احتمالی قانونگذار برای اجرای موثر حقوق بین الملل محیط زیست در کشور را نیز مدنظر قرار می‌دهد. بررسی و مطالعات این تحقیق نشان داده است که علی رغم ابهامات حقوقی و محدودیت‌های اجرایی، ظرفیت‌های حقوقی قابل استنادی در نظام حقوقی ایران برای اجرای موثر حقوق بین الملل وجود دارد. ضمن آنکه وضع قوانین و مقررات حقوقی به منظور تبیین واضح رابطه حقوق داخلی ایران با تعهدات عرفی و قراردادی بین المللی ضروری به نظر می‌رسد.

**واژه های کلیدی:** اجرای حقوق بین الملل، حقوق بین الملل محیط زیست، ماده ۹ قانون مدنی، منابع حقوق بین الملل.

۱- دانشجوی دکتری حقوق محیط زیست دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. \* (مسئول مکاتبات)

۲- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

# **Different Approaches for the Implementation of International Environmental Law in the Domestic Law of selected Countries with a review of the Iranian Legal System**

**Azam Parandeh Motlagh<sup>1\*</sup>**

[Azam.motlagh@yahoo.com](mailto:Azam.motlagh@yahoo.com)

**Shirin Shirazian<sup>2</sup>**

**Ali Zare<sup>2</sup>**

Admission Date: January 27, 2021

Date Received: October 20, 2020

## **Abstract**

The enforcement of international environmental law in various legal systems is one of the most up-to-date contemporary international law issues. In this regard, Article 9 of the Iranian Civil Code has provided a solution for implementing international treaties. However, in addition to its interpretation, it could not be applied to other international law sources such as international customary law or decisions of international courts. This article aims to examine the different approaches to implementing international environmental law in the domestic law of countries with a view of the Iranian legal system. Based on an analytical approach and an inductive approach, this study also considers possible legislative solutions for effective international environmental law enforcement in Iran. Investigations and studies of this research have shown that there are credible legal capacities in the Iranian legal system for effective enforcement of international law despite legal uncertainties and enforcement constraints. At the same time, it is necessary to enact laws and regulations to clearly explain the relationship between Iranian domestic law and international customary and contractual obligations.

**Keywords:** Implementation of International Law, International Environmental Law, Article 9 of Civil Law, Source of International Law.

---

1- Ph. D Candidate, Environmental Law Department- Islamic Azad University- Science & Research Branch of Tehran, Iran. \* (*Corresponding Authors*)

2- Assistant Professor, Islamic Azad University, Science and Research Branch.

## مقدمه

نظم حقوقی، موجب پیوستگی متقابل بین آنها می‌شود. اگر روابط بر اساس تفکیک دو نظم و تا حدی بی‌تفاوتی متقابل باشد، در این صورت بحث دوگانه‌گرایی مطرح می‌شود. بنابراین قاعده خارجی باید از طریق عمل حقوقی خاص تبدیل به قاعده حقوقی داخلی شود تا قابل اجرا گردد. برعکس، نظریه یگانه‌گرایی، منعکس کننده نظم حقوقی واحد است که در آن قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی به یکدیگر مرتبط می‌شوند (۳). اساسی‌ترین وجه تمایز نظام‌های یگانگی و دوگانگی حقوقی این است که پس از تصویب معاهده از سوی مراجع ذی‌صلاح داخلی و لازم‌الاجرا شدن آن، دادگاه‌های داخلی در کشورهای تابع نظریه یگانگی می‌توانند به طور مستقیم به معاهدات استناد نمایند و نیازی به قانون‌گذاری در این زمینه نیست اما در کشورهای تابع دوگانگی، پس از تصویب معاهده و لازم‌الاجرا شدن آن، دادگاه‌های داخلی نمی‌توانند به طور مستقیم به معاهده استناد کنند و قانون‌گذاری نهاد تقنینی در خصوص معاهده مربوطه پیش‌نیاز اجرای آن در محاکم داخلی است. در کشورهای تابع دوگانگی، دادگاه‌ها در فعالیت قضایی خویش استراتژی‌هایی جهت استفاده از معاهدات جذب نشده به کار برده‌اند به نحوی که حتی با فقدان مصوبه پارلمان به مقررات معاهده ترتیب اثر داده شود. همچنین در حالی که در نظام یگانگی، معاهده هم‌شأن قانون است در برخی کشورهای تابع یگانگی، دادگاه‌ها بین معاهدات خود-اجرا<sup>۲</sup> و غیر خود-اجرا<sup>۱</sup> تفکیک قائل می‌شوند. هنگامی که دادگاه داخلی معاهده‌ای را غیر خود اجرا تلقی می‌نماید به گونه‌ای عمل می‌کند که گویی معاهده در حقوق داخلی جذب نشده است و آثار اجرایی بر آن مترتب نمی‌شود. این رویکردها تفکیک سنتی بین کشورهای یگانه و دوگانه را به هم زده است (۴). در خصوص تأثیر رویکردهای یگانگی و دوگانگی بر اجرای تعهدات بین‌المللی، به نظر نمی‌رسد ارتباط چندانی بین نوع نظام حقوقی و رویه عملی دادگاه‌های داخلی وجود داشته باشد جز این‌که دادگاه‌ها در

یکی از مباحث مهم و مطرح حقوق بین‌الملل، که از دیرباز حقوقدانان بین‌المللی را به خود مشغول داشته است، موضوع رابطه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی است. در حقوق بین‌الملل این پرسش همواره مطرح بوده است که آیا حقوق بین‌الملل (اعم از قراردادی و غیر قراردادی) و حقوق داخلی (اعم از قوانین عادی و اساسی)، دو نظم جداگانه و دو دایره متخارج‌اند که یکدیگر را قطع و لمس نمی‌کنند یا این‌که دو دایره متداخل‌اند که یکی در درون دیگری است و اگر بگوییم دایره بزرگتر، حقوق بین‌الملل است، نظریه "مونیسیم با برتری حقوق بین‌الملل" است، و اگر بگوییم دایره بزرگتر، حقوق داخلی است، نظریه "مونیسیم با برتری حقوق داخلی" می‌باشد.<sup>۱</sup> در واقع تقسیم‌بندی بین مونیسیم و دونالیسیم تنها مربوط به روابط بین حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق داخلی نیست بلکه در رابطه بین حقوق بین‌الملل عمومی (جهانی) و حقوق منطقه‌ای تأثیر می‌گذارد (۱). مونیسیم و دونالیسیم، دو رویکرد متفاوت نسبت به رابطه بین حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق داخلی ارائه می‌دهند.

حقوقدانان بین‌المللی عموماً مدافع این نظرند که کلیت حقوق بین‌الملل، چه نوشته (معاهدات و غیر معاهدات) و چه نانوشته (اصول عمومی حقوق و عرف)، بر کلیت حقوق داخلی (چه قانون اساسی و چه قوانین عادی و چه سایر مقررات)، باید مقدم و برتر باشند. زیرا هر نظم حقوقی از تابعان خود برتر است و حقوق بین‌الملل نیز از تابعان خود، از جمله دولت‌ها، برتری دارد (۲).

## ۱- ارتباط نوع نظام حقوقی و اجرای حقوق بین‌الملل

## محیط زیست

رابطه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی از دو منظر یگانگی و دوگانگی حقوقی توسط حقوقدانان و طرفداران مکتب‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. به‌طور کلی روابط بین دو

۱- در مورد نظریه‌های مونیسیم و دونالیسیم، از جمله نگاه کنید به: ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ چهاردهم، گنج دانش، ۱۳۷۹، صفحه ۶۲ و بعد؛ موسی زاده، رضا، بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۸۳، صفحه ۱۸ و بعد. نیزک

Pierre-Marie Dupuy, Droit international public, Précis Dalloz, 2e Edition., 1993, p.309. No 410 ets.

‡ Self-executing

‡ Non-self-executing

بین‌المللی را برای اشخاص به رسمیت شناخته است که به طور طبیعی مایلند دعاوی خود را نزد دادگاه‌های داخلی مطرح نمایند (۷). مراجعه به دادگاه‌های داخلی در شرایط عدم امکان توسل به دیوان‌های بین‌المللی، مؤثرترین مکانیسم است.

حقوقدانان بین‌المللی نسبت به اعمال حقوق بین‌الملل در دادگاه‌های داخلی تردید دارند. این دیدگاه وجود دارد که محاکم داخلی آشکارا خط‌مشی ملی‌گرایانه دارند و به گونه‌ای به تفسیر قواعد می‌پردازند که منافع کشورشان را تأمین کنند. علاوه بر این گفته می‌شود که دادگاه‌های ملی در مواجهه با امور بین‌المللی تسلیم نظریات قوه مجریه می‌شوند و تلاش می‌کنند خود را از این حوزه بیرون نگه دارند و در این راستا از برخی تکنیک‌های قضایی برای خودداری از ورود به پرونده استفاده می‌کنند. برخی تحلیل‌ها نشان می‌دهد رویه قضایی دادگاه‌های داخلی بعضاً در راستای تأمین منافع کوتاه مدت قوه مجریه است و قضات مواظبتند تا با تصمیمات خود منافع و سیاست‌های بین‌المللی دولت‌هایشان را خدشه‌دار نکنند (۸). بنابراین گفته می‌شود دادگاه‌های داخلی براساس ملاحظات قوه مجریه، رویکرد سنتی خود در خصوص اجرا و تفسیر حقوق بین‌الملل کنار گذاشته‌اند و موجب به چالش کشیدن اقدامات قوای تقنینی و اجرایی در موارد زیادی می‌شوند.

### ۳- اجرای مقررات بین‌المللی محیط زیست در پهنه

#### اقتدارات ملی

به‌طور کلی، مقررات بین‌المللی، اعم از معاهدات، عرف و اصول کلی حقوقی الزام‌آورند و باید با حسن نیت به اجرا در آیند. به همین جهت، مقدمه منشور ملل متحد (بند سوم) رعایت معاهدات و تمکین از سایر منابع حقوق بین‌الملل را لازمه دوام نظم موجود بین‌المللی دانسته تا آنجا که شرط لازم برای استقرار امنیت در جامعه بین‌المللی را ایجاد جوی مناسب برای اجرای تعهدات بین‌المللی به شمار آورده است (ماده ۲۶ معاهده ۱۹۶۹ وین).

از آنجا که معمولاً هر دولت به لحاظ حقوق بین‌الملل متعهد به محقق ساختن نتیجه مقررات یعنی اجرای مؤثر حقوق بین‌الملل شده و در مورد تعیین روش‌های به اجرا در آوردن مقررات آن نظام غالباً تعهدی نسپرده است، پذیرش و جذب مقررات

کشورهای تابع یگانگی، معاهدات را به نحو مستقیم اجرا می‌کنند در حالی که در کشورهای تابع دوگانگی معاهدات را به نحو غیرمستقیم اجرا می‌کنند. همکاری نظام داخلی با نظام بین‌الملل یک مسئله پیچیده است که نمی‌توان آنرا در چارچوب دوقطبی یگانگی- دوگانگی محدود و تبیین کرد. در کشورهایی مانند کانادا و هند که تابع نظریه دوگانگی هستند و حقوق داخلی مانع از اجرای مستقیم معاهدات است دادگاه‌های داخلی با اجرای غیرمستقیم معاهدات، نقش فعالی در اجرای معاهدات دارند. برعکس، برای مثال در آمریکا و چین که نظریه یگانگی حاکم است و دادگاه‌های داخلی اجازه اعمال مستقیم معاهدات را دارند به ندرت از این اقتدار قضایی برای اجرای معاهدات و جبران نقض‌های ارتكابی استفاده می‌کنند.

### ۲- نگاهی تطبیقی به اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست

#### در محاکم ملی

جامعه بین‌المللی به علت فقدان اقتدارات مرکزی اعم از اجرایی، تقنینی و قضایی ساختار نامتمرکز دارد و در فقدان عوامل اجرایی مرکزی، حقوق بین‌الملل به شدت متکی به اقدامات نهادهای حقوقی داخلی است. دستگاه قضایی مستقل از قوه مجریه که از استانداردهای بین‌المللی برخوردار باشد مسلماً بهترین مرجع برای تفسیر، اجرا و توسعه حقوق بین‌الملل است (۵). در نتیجه دادگاه‌های داخلی کشورها، بهترین ابزارهای اجرای حقوق بین‌الملل هستند.

در چند دهه اخیر از کانال معاهدات و حقوق عرف بین‌الملل، فرایند قانون‌گذاری بین‌المللی رشد زیادی داشته است و حوزه‌هایی همچون حقوق محیط زیست که به نظم در نیامده بود توسعه یافت. اکثر مشکلات در حوزه محیط زیست، مسائل جهانی و فرامرزی هستند که به راه‌حل‌های بین‌المللی و وابسته به تشریک مساعی نیاز دارند. حقوق بین‌الملل محیط زیست، مجموعه‌ای از هنجارهایی است که به استراتژی‌های همکاری و بین‌دولتی اشاره دارد تا جلوی چالش‌های جهانی زیست محیطی را بگیرد (۶). امروزه از محاکم داخلی به کرات خواسته می‌شود تا موضوعات حقوق بین‌الملل را بررسی کنند. این امر عمدتاً نتیجه این تحول است که حقوق بین‌الملل به مسائلی می‌پردازد که سابقاً توسط حقوق داخلی تنظیم می‌شد و مجموعه‌ای از حقوق

قرار گرفته، مورد شناسایی قرار داده است. به همین دلیل هر دولت می‌تواند در حدودی که حقوق بین‌الملل قراردادی یا عرفی اجازه داده است، مقررات قراردادی را فسخ کند یا آن‌ها را به حالت تعلیق در آورد و یا تا آنجا که امکان دارد آن مقررات را بصورتی تفسیر کند که با منافع ملی‌اش سازگار باشد. با این حال، دیده شده است که بعضی دولت‌ها برای رهایی از مقررات بین‌المللی زیست محیطی مزاحم، در مواردی، بی‌آنکه خود را از بند معاهده‌ای که متضمن چنین مقرراتی بوده است برهانند، با استفاده از نظریه اعمال حکومتی و دکتترین مربوط به اجرای مستقیم یا غیرمستقیم مقررات بین‌المللی و استناد به اصول قانون اساسی زیرکانه و خودسرانه از اجرای بعضی تعهدات بین‌المللی شانه خالی کرده‌اند. در این قبیل موارد، محاکم قضایی معمولاً به بهانه نداشتن صلاحیت، از اعمال این‌گونه مقررات امتناع می‌ورزند و مراجع اداری اجرای آن‌ها را موقوف به اظهار نظر نهایی قانون‌گذار می‌کنند. قوه قانون‌گذاری نیز با طرح ایرادات شکلی غالب آن مقررات را غیر مناسب تشخیص می‌دهد. البته در چنین اوضاع و احوالی اگر دولت‌های دیگر نیز به همین ترتیب عمل نمایند، قاعده بین‌المللی آرام آرام از صحنه روابط بین‌الملل خارج می‌گردد.

اما حقوق بین‌الملل عمومی و بالتبع آن حقوق بین‌الملل محیط زیست در قبال این‌گونه اعمال خودسرانه ساکت ننشسته و با آنکه هنوز موجودیت خود را از اراده دولت‌ها بر می‌گیرد، برای دفع این موانع تمهیداتی نموده و سعی کرده است تا با تنظیم آیین اجرای مقررات بین‌المللی در هر معاهده، آزادی اراده دولت‌ها را در این قلمرو محدود نماید؛ به همین دلیل در مجامع مختلف علمی این اندیشه پدید آمده است که هیچ دولتی نمی‌تواند با استناد به آزادی اراده‌ای که در وضع و اجرای مقررات بین‌المللی دارد از اجرای تکلیف اصلی خود که همانا اجرای تعهدات بین‌المللی است خودداری کند. قاعده بین‌المللی به محض آنکه در نظام داخلی وارد شود، هیچ دولتی حق ندارد، به هر بهانه‌ای که باشد مانع استقرار حقوقی آن گردد و در راه اجرای قاعده مانع‌تراشی کند: «قاعده حقوقی تا آن زمان که اعتبار دارد لازم‌الاجرا است» (۱۳). علاوه بر این، حتی در مواردی

بین‌المللی در نظام‌های داخلی و تعمیم مکانیسم‌های اجرایی داخلی به آن مقررات هیچگاه تابع نظم مشخصی نبوده و در هر کشور به تناسب اهمیتی که قانون اساسی به ارزش‌های بین‌المللی داده در قالبی معین به نظم در آمده است (۹). بنابراین تا وقتی که قواعد بین‌المللی در نظام داخلی جذب نشده باشد در آن نظام اعتباری ندارد و در روابط بین‌الدول نیز از خود اثری به جا نمی‌گذارد.

نظام حقوقی بین‌المللی به ویژه زمانی که در مقایسه با نظام‌های حقوقی ملی (یعنی در محدوده اقتدارات ملی) عمل می‌کند، یک نظام قانونی غیرمتمرکز است. به عبارت دیگر، ماهیت نظام حقوقی بین‌المللی که در نهایت منجر به حاکمیت و برابری موضوعات اصلی و ابتدایی حقوقی آن می‌شود، در توسعه قواعد و مقررات بین‌المللی و همچنین در اجرای آن نقش بسزایی دارد (۱۰).

#### ۴- اجرای مقررات بین‌المللی زیست محیطی در محدوده

##### حاکمیت انحصاری دولت‌ها

صرف نظر از مفهوم حاکمیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل محیط زیست، یکی از موانع اساسی توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست، عدم تمایل دولت‌ها به تفویض حاکمیت یا محدود کردن آن به نفع سازمان‌های محیط زیستی در سطح بین‌المللی است. ساختار سیاسی حاکمیت، همواره میل به تمرکز دارد و از تفویض آن به دیگر مراکز قدرت و تصمیم‌گیری علاقه‌ای ندارد (۱۱). که همین عدم تمایل دولت‌ها به تفویض حاکمیت ملی یکی از چالش‌های مهم فراوری توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست به شمار می‌آید.

در گذر زمان و با طی فراز و نشیب‌های بسیاری، مفهوم حاکمیت دولت‌ها در پرتو آراء و رویه‌های قضایی زیست محیطی تعریف گردیده است. در همین چارچوب، توسعه و تثبیت مفهوم حفاظت محیط زیست از طریق قضایای زیست محیطی مطروحه در مراجع داوری و قضایی بین‌المللی، دچار تغییر و تحولات مثبتی گردیده است (۱۲).

حقوق بین‌الملل محیط زیست، صلاحیت دولت‌ها را در قلمرو مسائل زیست محیطی که در محدوده حاکمیت انحصاری آن‌ها

آنکه آن اختلافات را نماینده نظم عمومی (دادستان) یا یکی از طرفین اختلاف در آن رکن مطرح کرده باشند. پیش از رسیدگی، مرجع قضایی اصولاً باید به این مسأله بپردازد که آیا برای رسیدگی به دعوا، در نظام داخلی قاعده‌ای وجود دارد که بتوان با استناد به آن، اختلاف را حل و فصل کرد. چنین صلاحیتی همیشه مبتنی بر قاعده‌ای عینی است و به اراده آزاد افراد ربطی ندارد. به همین دلیل، حکم مراجع قضایی به محض صدور همانند هر قاعده حقوقی لازم‌الاتباع، لازم‌الاجرا است.

همچنین شایان ذکر است که بخش قابل توجه به مسائل محیط زیستی و شناسایی اصول مزبور، مرهون توجه کشورها به راه‌حل‌های مسالمت آمیز بین‌المللی به جای توسل به زور است که خود وام دار پیمان پاریس ۱۹۲۸ و منشور ملل متحد است؛ بنابراین نقش راه حل‌های مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی و به ویژه دیوان‌های داوری و قضایی بین‌المللی در توسعه و بسط حقوق بین‌الملل محیط زیست بی‌بدیل و انکارناپذیر است (۱۵).

با این همه، در نظام بین‌الملل به سبب آنکه برای اجرای مقررات بین‌المللی رویه واحدی وجود ندارد، نظم قضایی نیز انسجام نظم قضایی داخلی را ندارد. ضعف نظام بین‌المللی را در این محدوده نباید ناشی از ضعف نهادهای موجود بین‌المللی دانست؛ خصوصاً آنکه از سال ۱۹۴۵ به این طرف، سازمان ملل متحد که امروزه محل تجمع اکثریت قریب به اتفاق دولت‌های جهان است، دارای ارکانی مشابه نهادهای مستقر در نظام‌های داخلی، مثل مجمع (رکن تقنینی)، شورا (رکن اجرایی)، دیوان بین‌المللی دادگستری (رکن قضایی) شده است. ضعف نظام بین‌المللی در این مقوله آن است که تابعان این نظام، دولت‌ها هستند؛ دولتهایی که نظام داخلی خود را برتر از هر نظام دیگر می‌دانند و از این رو مایل نبوده‌اند، مگر با رضایت صریح خود نظام ملی را تابع نظام بین‌الملل کنند. مسلم است که یک چنین طرز تفکری طبعاً بر آیین وضع و اجرای مقررات بین‌المللی تأثیر می‌گذارد و آن را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد؛ زیرا در واقع از آنجا که وضع مقررات بین‌المللی اصولاً تابع اراده دولت‌هاست، محتوای آن‌ها به هیچ‌وجه نمی‌تواند به مسائلی تعمیم یابد که به گمان آن‌ها در قلمرو صلاحیت انحصاری آنان قرار گرفته است. وانگهی، قاعده

که دولت‌ها اجازه یافته‌اند مقررات بین‌المللی را با توجه به اوضاع و احوال سیاسی خود ارزیابی نمایند و مثلاً «با توجه به مقتضیات و اوضاع و احوال کشور و همچنین نیازمندی‌های هیأت نمایندگی از دولت فرستنده بخواهند که تعداد افراد هیأت نمایندگی را از حد معقول و متعارف بالاتر نبرد»؛ نمی‌توانند خودسرانه از حدود متعارف فراتر روند (۹).

## ۵- اجرای مقررات بین‌المللی زیست محیطی در مراجع

### قضایی بین‌المللی

در حال حاضر، اکثر نظام‌های حقوقی داخلی بر اساس قواعد قانون اساسی بنا شده‌اند که مبنای اعتبار تمامی قوانین به مفهوم عام و خاص کلمه به شمار می‌آید. این قوانین بطور کلی دارای ضمانت اجرا هستند؛ چنانچه اختلافی میان تابعان هر نظام بر سر اصول مندرج در آن قوانین پدید آید باید براساس همین مقررات فیصله یابد. در این نظام‌ها «دولت» خود نیز تابع چنان مقرراتی است و دخالت آن در ایجاد قانون به هیچ وجه باعث آن نیست که میان افراد و دولت در این قلمرو تفاوتی به وجود آید. نظریه‌پردازان حقوق اساسی، تبعیت تابعان حقوق داخلی (دولت و افراد) از قواعد بنیادین و مقرراتی که براساس آن وضع گردیده است را نتیجه مستقیم استقرار «حکومت مطلق قانون»<sup>۲</sup> دانسته‌اند.

درواقع در اکثر سیستم‌های حقوقی، میزان ارجاع به حقوق بین‌الملل به اختیارات قضایی مربوط می‌شود. محدوده این اختیارات به خصوص در زمینه حقوق بشر و حقوق محیط زیست بسیار گسترده است (۱۴).

در هر نظام داخلی، صرف‌نظر از مواردی که به افراد اجازه داده شده است که اختلافات موجود را با داوری اشخاص عادی منتخب خود فیصله دهند، حل و فصل اختلافات اصولاً به عهده رکن قضایی گذاشته شده است که شخصیتی مستقل از دیگر ارکان آن نظام دارد.

صلاحیت این رکن برای حل و فصل اختلافات از رهگذر اعمال مقررات حقوقی، در قبال طرفین اختلاف اجباری است، اعم از

۱- نک. ماده ۱۱ معاهده ۱۹۶۱ وین درباره روابط دیپلماتیک

با همه این احوال، وضع کنونی جهان به صورتی در آمده است که اگر برای حل و فصل اختلافات بین المللی تدابیری خردمندانه اندیشیده نشود، جنگ و گرسنگی سراسر جهان را فرا خواهد گرفت. البته انسجام یافتن چنین آیینی نیاز به زمان دارد، زیرا هر تحولی که در نظام بین المللی صورت گرفته است مستلزم تحولاتی دیگر در جامعه و سازمان بین المللی بوده است. بنابراین به نظر می رسد که لازمه تنظیم آیینی مناسب برای حل و فصل قطعی و عادلانه اختلافات بین المللی پدیداری تحولاتی بزرگ در نظام بین المللی است که از لحاظ منطقی طی سه مرحله بروز می نماید.

در مرحله نخست که جهان در حال حاضر در آن قرار دارد، دولت ها تلاش می کنند که تا سر حد امکان از توسل به جنگ برای حل و فصل اختلافات خود دوری کنند. البته این بدان معنی نیست که در این مرحله همه اختلافات الزاماً باید از این طریق یعنی طریقی دوستانه فیصله یابند.

دومین مرحله، مرحله ای است که در آن، دولت ها ناگزیر به حل مسالمت آمیز اختلافات خود هستند. حال تفاوتی ندارد که این آیین آیینی سیاسی یا قضایی باشد؛ آنچه مهم است، حل اختلاف از طریقی دوستانه است.

اما در سومین مرحله که مرحله ای اساسی است، دولت ها ملزم خواهند بود که اختلافات خود را تنها از طریق قضایی حل و فصل کنند. وجود چنین آیینی دلیل بارزی بر تکامل جامعه بین المللی خواهد بود؛ زیرا حل مسالمت آمیز اختلافات مبتنی بر قاعده ای حقوقی، عینی، غیرشخصی و متکی بر حکم مرجعی بی طرف، مستقل و دائم خواهد بود.

این دادگاه ها که همگی موظف به اعمال قواعد حقوقی هستند، پس از آنکه برای رسیدگی به دعوایی معین اعلام صلاحیت کردند، باید در مورد صحت یا بطلان توصیف ها و تفسیرهای متفاوت هر یک از طرفین دعوا نظر قطعی خود را ابراز نمایند.<sup>۲</sup>

۲- دیوان دائمی دادگستری بین المللی در یکی از احکام خود چنین اظهار نظر کرده است که:

«آن توصیف حقوقی که یکی از طرفین ذینفع در مورد عمل مورد اخلاق عرضه داشته است، چنانچه بر خلاف اصول حقوقی یاد شده موجب شود که محدودیتی بر اتباع آلمانی وارد آید، محمل ندارد»

حقوق بین الملل، کمتر مبنای یکجانبه داشته است. حتی عرف که یکی از منابع حقوق بین الملل محیط زیست است، هنگامی استقرار می یابد که دولت ها موجودیت آن را تأیید کرده باشند. بنابراین مقررات بین المللی غالباً به صورت قراردادی ایجاد شده اند. البته امکان دارد که این معاهدات چندجانبه بوده و تعداد کثیری از دولت ها را در قلمروی معین با یکدیگر همداستان ساخته باشند. با این حال هر دولت که در تدوین این معاهدات شرکت داشته، تا آن زمان که آن معاهدات را تصویب نکرده است، طرف آن معاهدات به حساب نمی آید. گذشته از این، آن دولت هایی هم که آن معاهدات را تصویب کرده اند، گاه خودسرانه قلمرو آن ها را با شروط خود محدود کرده اند، تا آن حد که مضمون هر معاهده به اقتضای منافع آن ها تغییر ماهیت داده و بطور کلی به صورتی دیگر در آمده است. در این گونه موارد، معاهده چندجانبه حد و حدودی متغیر پیدا می کند و انسجام و یکپارچگی خود را از دست می دهد (۹).

اجرای مقررات بین المللی نیز با یک چنین مشکلاتی رو به رو بوده است. دولت ها در اکثر موارد، به بهانه آنکه مقررات بین المللی با منافع ملی آن ها سازگار نیست از اجرای آن مقرراتی که خود در وضع و تدوینش مشارکت داشته اند خودداری کرده اند. وانگهی اعضای جامعه بین المللی، خصوصاً اعضای ملل متحد که حتی در مورد اجرای حقوق بین الملل تعهداتی خاص دارند (مثل آن تعهداتی که ناظر بر حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی است) هیچگاه مایل نبوده اند که دولت ناقض این تعهدات را تنبیه نمایند و یا به عبارت دیگر ضمانت اجراهایی مؤثر برای اعمال آن تعهدات مقرر بدارند؛ زیرا هیچ یک از آن ها مایل نبوده است که «امروز دولتی را برای نقض تعهداتی که خود ممکن است فردا آن ها را به همان صورت نقض نماید، مورد مؤاخذه قرار دهد».<sup>۱</sup> و این که هرگز امکان ندارد که با دولت های بزرگ و کوچک در این قلمرو به یک شکل رفتار شود، شاهد مدعا، حقوق و امتیازاتی است که منشور به لحاظ مسئولیت سنگین دولت های بزرگ در استقرار نظم و امنیت جهانی به آن ها داده است.

1- Hodi mihi cras tibi.

با توجه به بررسی های انجام شده در خصوص آراء و رویه های قضایی بین المللی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع محیط زیست پرداخته اند، این نتیجه حاصل می گردد که آراء و رویه های قضایی بین المللی به ویژه آراء صادره از دیوان بین المللی دادگستری تا سال ۱۹۹۷ رهیافت سنتی خود را مبنی بر ترجیح حاکمیت ملی دولت ها به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق بین الملل عمومی حفظ نمود و به نظر می رسد که به مباحث حقوق بین الملل محیط زیست با نگاهی تردیدآمیز برخورد نموده است و دیوان بین المللی دادگستری با اتخاذ چنین روشی فرصت های لازم را برای حاکمیت و اقتدار محیط زیست در دعاوی بین المللی از دست داده است (۱۲). مانند قضیه مشورتی دیوان بین المللی دادگستری در رابطه با تهدید و به کارگیری سلاح هسته ای (۱۹۹۶) و هم چنین در پرونده شکایت استرالیا و نیوزلند علیه فرانسه (۱۹۷۴)، که نگاه محافظه کارانه دیوان بر قضایای مذکور هم چنان وجود داشت.

#### ۶- اجرای مقررات بین المللی در چارچوب سازمان های

##### بین المللی

سازمان بین المللی، اساساً سازمانی است که دولت ها، آنرا از طریق انعقاد یک معاهده دو یا چندجانبه که معمولاً اساسنامه نامیده می شود، در راستای هدف خاصی تشکیل می دهند (۱۷). سند تأسیس<sup>۲</sup> سازمان بین المللی از لحاظ شکلی میثاقی بین المللی و از جهت محتوایی، مثل قانونی اساسی است. ارتباطی منطقی و منظم میان سند تأسیس و فعالیت هایی که به واسطه آن ها سازمان به حیات خود ادامه می دهد وجود دارد: به این صورت که سند تأسیس سازمان فقط به شرطی که از قبل فعالیت های آن سازمان را تنظیم کرده باشد، تأثیرگذار است؛ هر چند که آن فعالیت ها، هنوز از لحاظ حقوقی استقرار نیافته باشند.<sup>۳</sup>

2- Acte institutif

۳- سخن موريس هوريو ( M. Hauriou ) حقوقدان بلند آوازه فرانسوی درباره اختلاط دو مفهوم «عمل قراردادی» و «عمل تأسیسی» هنوز پس از گذشت شصت و اندی سال تازگی دارد. به اعتقاد وی «هرگاه تشکیلاتی بر مبنای قرارداد، میثاق یا معاهده ای پدید می آید، نمی توان این نکته را نادیده گرفت که عمل تأسیس با عمل قرارداد هم آمیخته شده است.

Cf. La theorie de l'institution et de la foundation, Paris, 1925. P.36

در این قلمرو، کار دادگاه های بین المللی با کار دادگاه های داخلی تفاوت زیادی دارد. در حقوق داخلی به لحاظ وجود اصل تفکیک قوا و اجباری بودن صلاحیت دادگاه ها، توصیف دادگاه ها در مرحله نهایی به صورت تصدیقی قطعی در می آید. اما در حقوق بین الملل عمومی و به تبع آن حقوق بین الملل محیط زیست که نه اصل تفکیک قوا محمل دارد و نه اجباری بودن و صلاحیت محاکم قضایی مطرح است، صلاحیت دادگاه بین المللی به شرطی اجباری است که طرفین دعوا به آن صلاحیت اقتدا کرده باشند. از این رو احکام بین المللی آنگاه قطعی می شود که از قبل دولت ها، اعتبار آن احکام را شناسایی کرده باشند. از این رو، مراجع قضایی و دادگاهها نقش مهمی در اجرای حقوق بین الملل در سطح داخلی ایفا می کنند (۱۰).

صلاحیت هر دادگاه بین المللی برای اعمال قواعد حقوقی به تفصیل در اساسنامه ای که سند بنیادین دادگاه بین المللی به حساب می آید، مشخص شده است؛<sup>۱</sup> چنانکه به موجب ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری «صلاحیت دیوان به تمامی آن قضایایی که طرفین دعوا در محضر آن دیوان اقامه کرده باشند و همچنین تمام موارد خاصی که در منشور یا عهدنامه ها و معاهدات معتبر پیش بینی شده است، تعمیم می یابد.»

آنچه از متن ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و مواد مربوط به صلاحیت دیگر دادگاه های بین المللی استنباط می شود، این است که مراجع قضایی بین المللی فقط تا آن حد صلاحیت رسیدگی به وقایع عینی را دارند که آن وقایع به نحوی با اعمال با تفسیر قواعد حقوق بین المللی که آن مراجع ضامن اجرای آن شده اند، مرتبط باشند؛ زیرا «اختلاف مربوط به «واقعه محض» اختلافی حقوقی نیست که قاضی بتواند بدان رسیدگی کند» (۱۶). به همین جهت، در مواردی که صلاحیت دادگاه های بین المللی مشروط به وجود اختلاف شده است، آن وقایع باید با چنان اختلافی پیوند و ارتباط داشته باشند (۹).

۱- نک. ماده ۱۶۴ معاهده بنیادین جامعه اقتصادی اروپا: ماده ۱۳۶ معاهده جامعه اتمی اروپا: ماده ۳۱ معاهده جامعه اروپایی زغال سنگ و فولاد: ماده ۴۵ معاهده اروپایی حقوق بشر .



وجود دارد، برتری حقوق بین الملل، برابری حقوق بین الملل بر حقوق داخلی و برتری حقوق داخلی؛ این که کدام یک از این گرایش‌ها از سوی قانون‌گذار ایرانی پذیرفته شده باشد، در میان حقوقدانان و صاحب نظران ایرانی، اختلاف نظر وجود دارد. اما قطعاً عبارت "در حکم" در ماده ۹ قانون مدنی معنای برابر با قانون را نمی‌دهد زیرا اگر قانون‌گذار مدنی بر این نظر بود، راه آسان‌تر و معقول‌تری وجود داشت که اعلام نماید مقررات عهود قانون است نه در حکم آن. اگر برابری از عبارت در حکم برداشت شود، با حکمت قانون‌گذار در تعارض است زیرا بعید است در تنظیم قوانین و مقررات عبارتی به کار رود که مفید هیچ معنایی نیست. همچنین "در حکم" نمی‌تواند به معنای برتری مقررات بین المللی تفسیر گردد.

علاوه بر این، لازم به ذکر است که در زمان تصویب قانون مدنی، سال ۱۳۰۷ برابر با ۱۹۲۸ میلادی، حقوق بین الملل از جایگاهی که هم‌اکنون برخوردار است، متمتع نبود و بعید است که قانون‌گذار ایرانی در آن زمان تا این اندازه برای مقررات بین المللی اهمیتی بیشتر از قوانین و مقررات داخلی در نظر گرفته باشد.

دلیل دیگر این که قانون اساسی ایران معروف به قانون اساسی مشروطه مصوب ۱۳۲۴ هجری قمری (۱۲۸۵ هجری شمسی) است. در اصول بیست و چهارم این قانون مقرر بود که: «بستن عهدنامه و مقاوله‌نامه‌ها... باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد...».

و در اصل چهل و پنجم متمم قانون اساسی مصوب ۱۳۲۵ هجری قمری نیز تصریح شده بود که: «کلیه قوانین... وقتی اجرا می‌شود که به امضای وزیر مسئول رسیده باشد...».

لذا کلیه قوانین (نه مصوبات مجلس که شامل عهدنامه‌ها و مقاوله‌نامه‌ها نیز می‌گردد) تنها در صورتی که وزیر مربوطه آن‌ها را امضا می‌کرد، امکان اجرایی داشتند. هیچکدام از اصلاحات بعدی قانون اساسی نیز به امضای عهدنامه و ترتیب اجرای آن نپرداختند. این حاکی از آن است که به موجب قانون اساسی مشروطه عهدنامه‌ها، قانون نبوده‌اند بلکه پدیده‌ای مجزا تلقی می‌شده‌اند.

ماده ۵ معاهده وین ۱۹۶۹ با تفکیک نظام حقوقی سازمان‌های بین المللی از نظام عام حاکم بر جامعه دولت‌ها اعلام کرده است که: معاهده وین بر هر پیمانی که سند تأسیس سازمانی بین المللی باشد و هر معاهده‌ای که در محدوده آن سازمان به تصویب رسیده باشد، به استثنای مقررات مرتبط با آن سازمان، اعمال می‌گردد.

آنچه از مفهوم این ماده استنباط می‌شود، این است که اسناد اساسی سازمان‌های بین المللی اصولاً در مقوله‌ای خاص قرار گرفته‌اند و مقررات معاهده ۱۹۶۹ هر چند که قابل اعمال بر آنهاست، اما الزام به قلمرو آن اسناد تعمیم نمی‌یابد و مهمتر از همه آنکه مقررات مرتبط با آن سازمان یعنی آن مقرراتی که هر سازمان برای تغییر سند اساسی یا انطباق آن با اوضاع و احوال زمان وضع می‌نماید بر مقررات معاهده ۱۹۶۹ برتری دارند. از این رو چنین می‌نماید که ارزش و اعتبار سند اساسی سازمان تنها با به اجرا گذاشتن آن سند تثبیت نمی‌گردد. چنین اعتباری فقط با اشتغالات مختلفی که در حد صلاحیت ارکان آن سازمان‌ها برای تفسیر سند اساسی انجام می‌گیرد، به اثبات می‌رسد (۱۸). به عبارت دیگر، شخصیت هر سازمان بین المللی به تدریج و از طریق فنونی که برای نزدیک کردن دولت‌ها به یکدیگر و ایجاد همبستگی میان آنان به کارگرفته می‌شود، به وجود می‌آید. بنابراین اسناد تأسیس سازمان‌های بین المللی را نباید تنها با توجه به مقررات عرفی و قراردادی حاکم بر معاهدات توصیف نمود، بلکه قبل از هر چیز باید دید که این اسناد در عالم واقع به چه صورت اعتبار یافته و کلاً با توجه به چه شاخص‌هایی می‌توان به ماهیت آن‌ها پی برد (۹).

## ۷- اجرای تعهدات حقوق بین الملل محیط زیست در نظام

### داخلی ایران

بر اساس نص قانون مدنی ایران در ماده ۹ که مقرر می‌دارد: «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است»، دلالت بر آن دارد که قانون‌گذار ایرانی معتقد به یگانگی حقوق بین الملل و حقوق داخلی است و بر اجرای تعهدات بین المللی مبتنی بر شیوه خود- اجرایی یا انتقال، نظر دارد. در نظریه یگانگی سه گرایش

به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی اوست» (۱۹). در نتیجه این نشان‌دهنده این است که با قانون و عهدنامه‌ها، قانونگذار اساسی سال ۱۳۵۷ برخلاف قانون اساسی مشروطه به یک صورت رفتار کرده و تمامی مقررات مربوط به تصویب و امضای قانون را در مورد عهدنامه‌ها نیز اعمال کرده است.

### نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در بالا متذکر شدیم، رویکردهای متفاوتی در حقوق بین‌الملل برای اجرای حقوق بین‌الملل به طور عام و حقوق بین‌الملل محیط زیست به طور خاص، وجود دارد که این رویکردها بیشتر متأثر از ایدئولوژی، ارزش‌ها، منافع ملی، نظام سیاسی، نظام حقوقی و دانش قضات محاکم است. از این رو، میزان پابندی دولت‌ها به تعهدات بین‌المللی و اتخاذ رویکردهای ملی و فراملی، صرفاً متأثر از تقسیم‌بندی سنتی نظریه‌ها بیگانگی حقوقی و دوگانگی حقوقی نیست، بلکه عوامل متعددی در نحوه اجرای حقوق بین‌الملل در نظام داخلی کشورها دخیل هستند. با نگاهی به رویه دولت‌ها در خصوص رابطه حقوق بین‌الملل یا حقوق داخلی، به نظر می‌رسد که هیچ کشوری رسماً نه نظریه دوگانگی حقوقی و نه نظریه یگانگی حقوقی را پذیرفته است، هرچند هر یک به نوعی تحت تأثیر یا سیطره یکی از دو نظریه مذکور قرار گرفته‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و حتی قانون اساسی مشروطیت، سخنی از جایگاه حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی ایران به میان نیاورده است. در نتیجه، مسأله برتری یکی بر دیگری مسکوت مانده است. اما با توجه به اصول ۷۷ و ۲۵ قانون اساسی، مخصوصاً ماده ۹ قانون مدنی، معاهدات بین‌المللی در حکم قانون عادی است و قدرتی برابر با قانون عادی پیدا کرده است. از سوی دیگر، تشریفات مربوط به انعقاد یک معاهده بین‌المللی، همچون تشریفات مربوط به وضع یک قانون عادی است (تصویب مجلس و امضای رئیس‌جمهور). بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که آن دو قاعده از حیث اعتبار حقوقی در یک سطح هستند و در صورت تعارض، قاعده مؤخر، قاعده مقدم را نسخ می‌کند. البته بعید است دولت ایران پس از تصویب معاهده‌ای، قانونی معارض با آن وضع نماید و عملاً آن

نظر قانون‌گذار قانون اساسی مشروطه در راستای ارتباط دو نوع حقوق، مستند به اصل بیست و چهارم قانون اساسی سال ۱۲۸۵ هجری قمری (زمان تصویب قانون اساسی مشروطه) تا سال ۱۳۰۷ (زمان تصویب قانون مدنی) بر دوگانگی است. در این فاصله زمانی، قانون‌گذار نسبت به شیوه اجرای حقوق بین‌المللی ساکت است. در سال ۱۳۰۷ که قانون‌گذار مدنی اجرای مستقیم تعهدات بین‌المللی را بر می‌گزیند به دلیل تعارض با قانون اساسی آن را در لفافه قرار داده و مقررات عهدی را در حکم قانون و نه خود آن، معرفی می‌نماید.

این استدلال از طریق ماده ۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ (قبل از اصلاحات) نیز تأیید می‌گردد.

در این ماده مقرر بود که: «قوانین باید در ظرف سه روز از تاریخ توشیح به صحنه ملوکانه منتشر شود». همان‌گونه که قرائت این ماده نشان می‌دهد، آنچه که باید پس از توشیح منتشر می‌شد، قوانین بود و نه تمامی مصوبات مجلس و از جمله عهدنامه‌ها.

برای بیان منظور قانون‌گذار قانون مدنی در استفاده از عبارت «در حکم»، این نظریه مطرح شده است که مدلول ماده ۹ مقررات عهد در نظام داخلی ایران مستقیماً لازم‌الاجرا است اما از آنجایی که قانون‌گذار آن را، مستند به قانون اساسی مشروطه، همچون قوانین و مقررات داخلی نمی‌دانسته و به دلایلی که نزد قانون‌گذار آن زمان محفوظ است، اعلام حکم مخصوص نسبت به مقررات عهد ضرورت نداشته، از عبارت در حکم استفاده کرده است که نشان دهد اگرچه مقررات عهد ماهیتاً قانون نیستند اما باید حکم قانون تلقی و از سوی قاضی با رفتاری مشابه قانون برخوردار شوند.

در ارتباط با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ لازم به ذکر است، در اصل ۷۷ قانون اساسی مقرر است که:

«عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد».

حکم این اصل همان است که در اصل ۲۴ قانون اساسی مشروطه بیان شده است. لیکن، متفاوت از اصل ۴۵ متمم قانون اساسی مشروطه، در اصل ۱۲۵ قانون اساسی تصریح دارد که:

«امضای عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط

4. Sloss, David. (2011), "Domestic Application of Treaties". Santa Clara University, PP.8-11.
5. Izadi, Ali. (2015), "A Comparative Look at the Application of International Law in National Courts". Public law studies. Volume 45, Number 3, p.497. (In Persian)
6. Alejandro Gómez – Velásquez,(2016),"The "constitutionalization" process of the international environmental law in Colombia", revista de derecho, universidad del norte, p.3.
7. Nollkaemper, Andre. (2006). "The Role of Domestic Courts in the Case Law of the International Court of Justice". Chinese Journal of International Law, P.302.
8. Benvenisti, Eyal. (1993). "Judicial Misgivings Regarding the Application of International Law: An Analysis of Attitudes of National Courts", 4 European Journal of International Law.pp.159-161.
9. Falsafi, hedayatollah. (1994). "Implementation of the rules of international law" Legal research. (In Persian)
10. Beenakker, E.B, (2018), "The implementation of international law in the national legal order : a legislative perspective", Leiden University Repository, p:1-2
11. Javadi, Alireza, Poorhashemi, Abbas and Shirazian, Shirin, (2016), "Capacities and Limitations of Development and Codification of International Environmental Law (with a Critical Approach)", Quarterly Journal of Environmental Science and Technology, p.134. (In Persian)

معاهده را بدون اثر سازد، زیرا این امر صرفنظر از ایجاد مشکلات عدیده در روابط میان ایران و سایر کشورهای متعاقد، موجبات تحقق مسئولیت بین‌المللی ایران را نیز فراهم می‌سازد. در ضمن لازم است یادآوری شود که مسأله تساوی اعتبار حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی ایران، محدود به حقوق بین‌الملل معاهده‌ای است، نه سایر مقررات حقوق بین‌الملل.

با این همه، درسال‌های اخیر، رویه‌ای در نظام قانون‌گذاری ایران معمول گردیده که کاملاً حاکی از پذیرش نظریه یگانگی حقوقی با برتری حقوق داخلی است، از جمله قانون الحاق ایران به کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ که در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۳ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، به این شرط که «مفاد کنوانسیون در مواردی که با قوانین داخلی و موازین اسلام معارض گردد، از طرف جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد». در پایان تذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که قوانین موضوعه و عرفی ایران در خصوص نحوه اجرای حقوق بین‌الملل عمومی و به تبع آن، حقوق بین‌الملل محیط زیست مبهم و مسکوت است و وضع قوانین و مقررات حقوقی به منظور تبیین رابطه حقوق داخلی ایران با تعهدات عرفی و قراردادی بین‌المللی ضروری به نظر می‌رسد.

## References

1. G Ferreira and a Ferreira-Snyman, (2014), "The Incorporation of Public International Law into Municipal Law and Regional Law against the Background of the Dichotomy between Monism and Dualism". PELJ/PER JOURNAL. Volume 17. No.4, p.1471.
2. Virally, Michel. (2001). Cité par Dominique Carreau, Droit International. 7eme édition, p.43.
3. Chiam, Madelaine.( 2018), "Monism and Dualism in International Law", oxford bibliographies.

18. Deliaussy J. (1968). "Le problème de la classification des traités et le projet de convention établit par la Commission du droit international des Nations Unies". In Hommages à P. Guggenheim, Geneve.
19. Hashemi, Hamid (2009), "Implementation of International Obligations in the Iranian Judicial System: Limitations and Capacities" Legal Research, pp. 232-237. (In Persian)
20. Poorhashemi, Abbas. (2020). "Emergence of 'International Environmental Law': As a New Branch of International Public Law". *CIFILE Journal of International Law*, 1(2), 33-39.
21. Khalatbari, Yalda, and Poorhashemi Abbas. "Environmental Damage: Challenges and opportunities in International Environmental Law." *CIFILE Journal of International Law (CJIL)*, 1(1), 21-28.
12. Zarei, Sahar, Poorhashemi, Abbas and Pournouri Mansour (2017), "Development of International Environmental Law in the Light of International Judgments and Procedures", *Quarterly Journal of Environmental Science and Technology*, p. 212. (In Persian)
13. Marcoff M. (1979). "Les règles d'application indirecte en droit international". *RGDIP*.P.415.
14. Eyal Benvenisti & Alon Harel, (2017), "Embracing the Tension Between National and International Human Rights Law: The Case for Discordant Parity", 15(1) *Int'l J. Const. l.P.* 36.
15. Mousavi, Seyed Fazlollah, Hosseini, Seyed Hossein and Mousavifar, Seyed Hossein, (2015), "Principles of International Environmental Law in the light of the opinions of international legal authorities", *Public Law Research Quarterly*, pp. 10-11. (In Persian)
16. Bos M., (1957), "Les conditions du procès en droit international public", *Leyde.*, p.55.
17. Poorhashemi, Abbas and Bahareh Arghand. (2013). *International Environmental Law*. Tehran, Justice Publishing. (In Persian)